

## بسم الله الرحمن الرحيم

### چکیده بحث گذشته

در بحث گذشته، نظریه محقق اصفهانی(ره) را بیان کردیم. خلاصه‌ی بحث تا اینجا این شد که عرض کردیم محقق اصفهانی(ره) در توضیح فرمایش شیخ(ره) این بیان را دارد. مرحوم شیخ(ره) فرمود که تعلیق، اگر تعلیق در مدلول کلام باشد، غیر معقول است، اما نزاع ما در این نیست - که یک مطلبی را خود محقق اصفهانی(ره) راجع به همین عبارت شیخ(ره) دارد و معلوم می‌شود این عبارت شیخ نزد شاگردهای ایشان و محشّین مکاسب خیلی روشن نبوده است - .

محقق اصفهانی(ره) تا اینجا فرمودند که از آنجا که انشا و اخبار مربوط به مقام استعمال است، و وجه من وجوه الاستعمال است، و استعمال، ایجاد المعنی باللفظ است، پس انشاء و اخبار از مقوله‌ی ایجاد است. کسی که انشاء و اخبار می‌کند، یک چیزی را ایجاد می‌کند. و انفکاک بین ایجاد و وجود، محال است. نمی‌شود بگوییم ایجاد الان است و وجود بعداً می‌آید. بعد در ادامه فرمودند همانطور که در عالم تکوین، انفکاک بین ایجاد و وجود محال است، در انشائیات هم تخلف انشا از منشأ و انفکاک بین انشا و منشأ محال است.

### ادامه فرمایش محقق اصفهانی(ره)

مطلب دوم در فرمایش محقق اصفهانی(ره)؛ فرق بین انشا و اعتبار است. ایشان فرمودند از این کلام انشائی، مثل «بعث»، یا شارع و عقلاً ملکیت مطلق را اعتبار می‌کنند و یا ملکیت علی تقدیر خاص را اعتبار می‌کنند. اما هر چه باشد، این «بعث»، اعتبار نیست، بلکه انشاء است.

کسی نگوید این «بعث» یک امر اعتباری است، وقتی که اعتباری است، اعتبار هم مثل تکوین نیست. خیر، «بعث» کلام انشائی و ایجاد انشائی است، اما اعتبار و ملکیت و تملیک، یک امر اعتباری است؛ «التملیک ایجاد اعتباری»، «الملکیه ایجاد اعتباری». اما بین انشا و اعتبار، فرق وجود دارد. از اینجا خواستند نتیجه بگیرند که تعلیق در انشا وجود دارد، اما واقعاً انشا قابلیت تعلیق را ندارد.

فرمودند «فالتملیک الإنشائی تعلیقی عنواناً لا حقیقه، و التملیک الاعتباری تعلیقی لباً»؛ که تملیک انشائی، صورۀ تعلیق است نه حقیقتاً، اما تملیک اعتباری، آنچه که شارع و عقلاً اعتبار کرده‌اند، اگر معلق باشد، واقعاً و حقیقتاً معلق هستند. پس انشا اصلاً تعلیق بردار نیست.

طبق این بیان محقق اصفهانی(ره)، نه انشا و نه منشأ، هیچکدام تعلیق بردار نیست. تعلیق در آن اعتباری است که شارع و عقلاً دارند. عقلاً و شارع، یک وقت بنفس این کلام انشائی، بدون هیچ قیدی اعتبار ملکیت می‌کنند، این می‌شود اعتبار مطلق. آن وقت فرمودند اگر این چنین باشد، خود این «بعث، يتصف بالتملیک الحقیقی التسبیبی»؛ اما یک وقت می‌گویند تو الان گفتی «بعث»، اما اعتبار ما زمانی است که این شرط محقق شود، مثلاً اجازه مالک مثلاً محقق شود. اما مادامی که اجازه مالک محقق نشود، ما اعتبار نمی‌کنیم این اعتبار معلق می‌شود.

اگر این ایجاد انشایی را، شارع و عقلا، مطلق اعتبار کنند، گفتیم همین ایجاد انشایی و همین کلام انشایی، الان متصف می‌شود به «تملیک حقیقی تسبیبی». اما اگر شارع، اعتبار معلق کرد، این کلام انشایی و ایجاد انشایی، الان آمده، پنج روز دیگر شارع ملکیت را اعتبار می‌کند. محقق اصفهانی(ره) فرمود اینجا این ایجاد انشایی و کلام انشایی، بمنزله المقتضی است، که مؤثر فعلا، بلکه زمانی مؤثر است که شارع، اعتبار خودش را داشته باشد.

پس به نظر من؛ بزنگاه اصلی کلام محقق اصفهانی(ره) فرق بین «کلام انشایی»، «ایجاد انشایی» و «ایجاد اعتباری» است. بزنگاه اصلی در همین است که ممکن است تعلیق الان در «بعث» آمده است، می‌گوید «بعث إذا جاء القوم»، اما تعلیق به حسب ظاهر در ایجاد انشایی است، اما لباً و واقعاً برای آن اعتبار و ایجاد اعتباری است. اصلاً تعلیق را از دائره انشاء حقیقه خارج می‌کند. در انشاء، نه انشا و منشأ اصلاً معلق نیست، اگر هم معلق باشد، ظاهراً معلق است، و لیکن لباً و واقعاً آن اعتبار عقلا و اعتبار شارع، معلق می‌شود.

البته این نکته را هم در کلامشان داشتند؛ همانطور که ایجاد انشایی از وجود انشایی، انشاء از منشأ تخلف پذیر نیست، ایجاد اعتباری هم از وجود اعتباری جدا نیست. یعنی اگر تملیک اعتباری کرد، شارع نمی‌تواند بگوید الان من تملیک را اعتبار می‌کنم، اما ملکیت ده روز دیگر بیايد. تملیک اعتباری از ملکیت اعتباری جدا نیست. بین آنها هم تخلف محال است. محال است که بگوییم تملیک اعتباری الان آمد، اما ملکیت دو روز دیگر می‌آید، اینها کاملاً مثل هم هستند.

پس نتیجه کلام محقق اصفهانی(ره) این شد که «ایجاد و وجود تکوینی»، «ایجاد و وجود انشایی» و «ایجاد و وجود اعتباری» سه چیز است نه یک چیز، اما تخلف در هیچ از آنها امکان ندارد.

#### نقد محقق اصفهانی(ره) به فرمایش مرحوم شیخ(ره)

بعد سراغ کلام شیخ(ره) می‌روند - عرض کردم این کلام شیخ(ره)، از جاهای مشکل مکاسب است، که اساتید بزرگ حوزه نیز به این امر اعتراف دارند - . محقق اصفهانی(ره) بعد از این تحقیق، می‌فرمایند اگر مراد شیخ(ره) از این که گفته ملکیت گاهی «محققه علی تقدیر»، گاهی اوقات «محققه علی جمیع التقادیر»، تعلیقی که شیخ(ره) تصویر کرده، مثل همین بیان ما باشد، ما با ایشان حرفی نداریم. اما اگر مراد شیخ(ره) این باشد که ملکیت موجود، دو نوع است، بگوییم ملکیتی که الان موجود می‌باشد یک نوعش منجز است و یک نوعش معلق است، همین ملکیتی که الان موجود می‌باشد، این خلاف البرهان و الوجدان است.

بعد می‌فرمایند بعضی از عبارات شیخ(ره) بوی حرف ما را می‌دهد. مثلاً شیخ(ره) در یکجا فرموده که اثر شرعی، معلق است. این اثر شرعی یعنی همان اعتبار شارع. تعلیق اثر شرعی، با مبنای ما سازگاری دارد. اما یکجا از عبارتش استفاده می‌شود که ملکیت محققه، دو نوع است. در بحث اصول هم مرحوم شیخ(ره) در واجب مشروط می‌گوید مولا دو نوع می‌تواند اراده کند؛ «وجوب را علی جمیع التقادیر اراده کند»، این واجب مطلق می‌شود. «همین الان وجوب را علی تقدیر خاص اراده می‌کند»، این واجب مشروط می‌شود. اما در هر دوی آنها، الان اراده موجود است. محقق اصفهانی(ره) می‌فرمایند اگر شیخ(ره) بخواهد این را بگوید، این مورد قبول ما نیست. این خلاصه فرمایش محقق اصفهانی(ره) است.

بر این کلام محقق اصفهانی(ره) بعضی از اساتید ما، سه اشکال ذکر کرده‌اند. که باید ببینیم این سه اشکال وارد است یا نه؟! به نظر من اگر در کلام ایشان دقت بیشتری شود، اکثر این اشکالات وارد نیست.

و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين.